

مقایسه‌ی شهر مطلوب با شهر جهانی

حسین بنی فاطمه^۱، علی بوداچی^۲

چکیده:

در عصر حاضر با جهانی شدن^۳ و تغییرات شتابان در اقتصاد شهرهایی چون شانگهای، هنگ کنگ، توکیو و... شاهد مفهوم نوظهوری چون شهر مطلوب^۴ در مطالعات شهری هستیم. به طوری که مفهوم یاد شده در رقابت مستقیم با شهرهای جهانی^۵ قدیمی (چون نیویورک، لندن و پاریس) بیشتر از گذشته توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. بر این اساس، موضوع پژوهش حاضر، مقایسه‌ی شهر مطلوب با شهر جهانی است؛ بدین منظور، ابتدا مفهوم شهر جهانی و خصوصیات آن از نگاه اندیشمندانی چون ساسن^۶، فریدمن^۷، شورت^۸، کاستل^۹ و... تشریح می‌گردد و سپس مفهوم شهر مطلوب و خصوصیات، وجوه افتراق و اشتراک این دو مفهوم برجسته می‌شود. کوشش این مقاله معطوف به یافتن پاسخ به این پرسش اساسی است که شهر مطلوب و شهر جهانی چه تفاوت‌ها و تشابهاتی با هم دارند؟ در مسیر یافتن پاسخ علمی

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز Banifatemeh1382@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز

A20_Boodaghi@yahoo.com

۳- globalization

۴- great city

۵- World cities

۶- Sassen

۷- Friedmann

۸- Short

۹- Castells

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۶

تاریخ وصول: ۹۳/۲/۱۶

به سؤال یاد شده، نتیجه‌ای که با بهره‌گیری از روش اسنادی به دست آمد عبارت از این است که شهر مطلوب شهری است که با تکیه بر مدل توسعه‌ی پایدار محلی و با تأکید بر حکمرانی شهری دارای سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی قوی و به دنبال توسعه‌ی درون‌زا است. این در حالی است که تئوری شهر جهانی معطوف به الگوی توسعه‌ی برون‌زا و فاقد مقیاس‌های عینی است و به همین دلیل است که شهر جهانی، قطبی شدن و بحران‌های زیست‌محیطی را تشدید می‌کند.

واژگان کلیدی: شهر مطلوب، شهر جهانی، توسعه‌ی پایدار محلی^۱، قطبی شدن^۲.

مقدمه:

در دهه‌های اخیر، جهانی شدن باعث ایجاد تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیادی در اکثر نقاط دنیا شده است و شاید شهرها در این زمینه بیشترین تأثیرپذیری را داشته‌اند (بنی فاطمه، ۱۳۹۱: ۱). شهرها در نتیجه‌ی جهانی شدن اقتصاد، روابط انسانی، جریان‌های فرهنگی و آگاهی‌های فردی دچار تحولاتی می‌شوند که شدت و ضعف آن‌ها متناسب با میزان پیوستگی شهرها با جریان جهانی شدن، متفاوت است. در واقع، جهانی شدن و اطلاعاتی شدن به افزایش اهمیت برخی از شهرها در سلسله‌مراتب شهری منجر شده که از آنها به عنوان شهرهای جهانی تعبیر می‌شود. نظریه‌ی شهر جهانی متشکل از مباحث و فرضیاتی برای تبیین روابط بین جهانی شدن و شهر و نحوه‌ی مواجهه شهرها با جهانی شدن در دهه‌های اخیر است. در این نظریه، شناخت شهرهایی که بیشترین پیوند را با جهانی شدن دارند و معیارهای تعیین سطح این پیوستگی از اهمیت کانونی برخوردار است. رتبه‌بندی شهرها بر اساس میزان جهانی بودن آنها و نقش‌هایی که برای تأثیرگذاری بر اوضاع مختلف جوامع در سراسر جهان ایفا می‌کند، بخش دیگری از نظریه‌ی شهر جهانی را تشکیل می‌دهد (پور احمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰-۲۹).

بررسی مفهوم شهر جهانی، شهر بین‌المللی در مطالعات دانشگاهی و اقتصاد سیاسی جهانی افزایش یافته است. به طوری که در بین جغرافیدانان و جامعه‌شناسان مفهوم

۱- Local sustainable development

۲- polarization

شهر جهانی به نکته‌ی تحلیلی مهم در ادبیات جهانی شدن و سازمان فضایی سرمایه‌داری جهانی مبدل شده است. این شهرها در سراسر جهان از طریق سیاستمداران محلی، مقامات دولتی، کسب و کار، نخبگان رسانه‌ای نظرات مردم را به این مفهوم جلب کرده‌اند. در واقع، در این شهرها جذب سرمایه‌گذاری‌های ثابت جهانی (دفاتر شرکت‌های چندملیتی، امکانات تولید، آسمان خراش‌ها در مرز شهر) و سرمایه در گردش (حمل و نقل، گردشگری، رویدادهای فرهنگی) از طریق یک هویت بین‌المللی به استراتژی توسعه‌ی اقتصاد جهانی تبدیل شده است (Paul, 2004: 572).

شیکر^۱ (۱۹۹۷)، در رابطه با پیوند بین جهانی شدن و توسعه‌ی شهرها بر این باور است که بررسی تجربی روابط بین جهانی شدن اقتصاد و توسعه‌ی شهری بسیار پیچیده و مشکل است (Beaverstock and etal, 2000: 43).

رهبران شهری ادعا دارند که برچسب بین‌المللی، جهانی به مثابه‌ی ویژگی‌های بنیادی شهرها، ناهمگون و باورنکردنی است؛ به عنوان مثال، توسعه‌ی آتلانتا (شهر بین‌المللی کبیر) ژوهانسبورک (در آفریقا به عنوان شهر جهانی) و هلسینگی به عنوان شهر بین‌المللی). هیچ یک از این شهرها بازارهای واقعی موقعیت جهانی را پوشش نمی‌دهند (Paul, 2004: 537). در رابطه با شهر جهانی، فریدمن (۱۹۸۶) بر این باور است که تقسیم بین‌المللی جدید از طریق شهرهای جهانی سازمان یافته‌اند. در نگاه وی این شهرها به عنوان مراکز کنترل برای انباشت سرمایه و نهایتاً دستیابی به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جهانی است (Beaverstock and etal, 2000: 45). همچنین جان فریدمن (۱۹۸۶) شهر جهانی را مرکز فرماندهی و واقع شده در شبکه‌ی جهانی شهرها توصیف می‌کند (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶). پیتروال نیز شهرهای جهانی را بر اساس نقش‌های چندگانه‌ی آنها تعریف می‌کند. وی شهرهای جهانی را مرکز قدرت سیاسی و بین‌المللی، مرکز تجاری ملی و بین‌المللی، مرکز خدمات بانکی و بیمه‌ای، مرکز مصرف انبوه، مرکز امور تخصصی پیشرفته در زمینه‌های مختلف، مرکز جمع‌آوری و انتشار اطلاعات و مرکز هنری، فرهنگی و.. می‌داند (بنی فاطمه، ۱۳۹۱: ۲). علاوه بر اینها، بر

اساس نظر فریدمن اگرچه شهرهای جهانی مکان‌هایی است که در آن کسب و کار، دارایی، تجارت، دولت، جهانی هماهنگ و سازمان‌یافته است؛ اما شکل‌گیری شهرهای جهانی شامل پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و در نتیجه تضادها و درگیری‌های سیاسی است. در این راستا، کیل مطرح کرده که شهرهای جهانی مکان‌هایی است که بحران زیست محیطی را آشکار می‌کند و عدم قطعیت، ناامنی و خطر از ویژگی‌های آن است. در حالی که اصطلاح شهر جهانی جذاب است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد این شهرها به توسعه آسیب می‌رسانند و مشکلات اجتماعی، زیست محیطی را دامن زده است. فرایند جهانی شدن به جای کاهش این مشکلات اینها را تشدید کرده است. به منظور جبران چالشهای نظری مفهوم شهر جهانی، مفهوم دیگری با عنوان شهر مطلوب^۱ در ادبیات شهری برجسته شده است. در رویکرد شهر مطلوب به جای تأکید بر نقش شهرها در اقتصاد جهانی و توسعه‌ی برون‌زا به تأثیرات محلی جهانی شدن و اساساً رویکرد توسعه‌ی پایدار محلی و توسعه‌ی درون‌زا تأکید شده است. چراکه طبق دیدگاه ایکینز و نیوبای^۲، جهانی شدن باعث فاصله‌ی اجتماعی و محیطی می‌شود اما توسعه‌ی اقتصادهای محلی می‌تواند شبکه‌های اقتصادی محلی و انسجام اجتماعی را حفظ کند. بر این اساس، برای تحقق شهر مطلوب، باید به توسعه‌ی محلی توجه شود و نه صرفاً به روابط جهانی. شهر مطلوب شهری است که ۱- نه تنها در سرمایه‌ی اقتصادی، بلکه در سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی نیز قوی است ۲- دارای سبک روشنی از حکومت با یک دولت متجدد که با همکاری بخش خصوصی، جامعه‌ی مدنی و بخش سوم فعالیت می‌کند. ۳- داری اعضای فعال و خلاق در توسعه دادن فناوری‌های متری و فعالیت‌های اقتصادی به منظور رسیدن به توسعه‌ی محلی و جهانی پایدار است (Kamng and Hills, ۲۰۰۳:۱۵۲-۱۵۳). در نتیجه‌ی جهانی شدن و تغییرات و تحولات سریع در نقش اقتصادی شهرها مانند شانگهای، توکیو، هنگ کنگ و... در رقابت مستقیم با شهرهای جهانی قدیمی چون لندن، نیویورک، پاریس و غیره اهمیت مفهوم

۱- Great city

۲- Ekins and Newby

شهر مطلوب در مقایسه با شهر جهانی بیشتر شده است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر، مقایسه‌ی مفهوم شهر مطلوب با شهر جهانی است. در راستای موارد یاد شده، کوشش این مقاله معطوف به یافتن پاسخ به این پرسش‌ها است که ۱- شهر جهانی چیست و شاخص‌های آن کدامند؟ ۲- مفهوم شهر مطلوب چیست و شاخص‌های آن کدامند؟ ۳- وجوه اشتراک و افتراق مفهوم شهر جهانی و شهر مطلوب در چیست؟ در نهایت محقق درصدد است با گریز زدن به نظریه‌پردازی‌های مرسوم در این حوزه به سؤالات یاد شده پاسخ علمی و قانع‌کننده ارائه نماید.

مفهوم شهر جهانی

در عصر جهانی شدن، بعضی از شهرها در برنامه‌ریزی استراتژیک تحت عنوان شهر جهانی^۱ یا جهان شهر^۲ مورد توجه واقع شده‌اند. این شهرها، اغلب به عنوان مکانهایی با ثروت قابل قبول و تأثیرگذار توصیف می‌شوند؛ چراکه این شهرها عنوان گروه‌های مهم اقتصاد جهانی با تکنولوژی صنعتی پیشرفته، خدمات مالی پیشرفته، عمل می‌کنند. شهر جهانی مرکز فرماندهی شرکت‌های چندملیتی است. این شهرها به خدمات پیشرفته و تسهیلات تکنولوژیک برای رونق و مدیریت فعالیت‌های اقتصاد جهانی از قبیل حسابداری، بانکداری، امور مالی، بیمه و تبلیغات تجاری نیاز دارند. لازمه‌ی تحقق شهر جهانی، سرمایه‌گذاری بر مشارکت بخش خصوصی در خلق فضای کسب و کار خوب^۳ به منظور جذب سرمایه‌ی مالی ملی و بین‌المللی است (Nastar, ۲۰۱۴: ۱). اگر شهر جهانی را معادل World City بگیریم، آنگاه از نظر واژه‌شناسی، عنوان شهر جهانی برای اولین بار از طرف پاتریک گدس^۴ در ۱۹۱۵ به کار گرفته شد. گدس این اصطلاح را برای توصیف شهرهایی که سهمی متفاوت از تجارت جهانی را کنترل می‌کرده‌اند؛ به کار برده است (پورموسوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۵). در سال ۱۹۶۶ پیتر هال شهرهای جهانی را

۱- World city

۲- Global city

۳- Goog business climate

۴- Patric Geddes

منتشر کرده و بررسی کرده که چطور شهرهایی از قبیل نیویورک، لندن، پاریس، توکیو و مسکو در مناطقشان به شهرهای جهانی نخست تبدیل شدند. وی بر اهمیت نقش‌های اقتصادی در شهرهای جهانی تأکید داشت (پور احمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳).

حال این شهرها را مرکز قدرت سیاسی که در آن نهادهای تصمیم‌گیری حکومتی و نهادهای سیاسی بین‌المللی قرار دارد، مکان دولت‌های ملی و بین‌المللی، مکان تجارت، سرمایه و ارتباطات، تمرکز توانایی‌های آموزشی، تحقیق، هنر و فرهنگ می‌داند (Kamng and Hills, ۲۰۰۳: ۱۵۱). وی که در سال ۱۹۶۶ تعریف خود را ارائه کرده است در نهایت توجه خود را معطوف به تأثیرات تغییر از تولید محصولات اقتصادی به فناوری اطلاعات کرده است. همچنان که مراکز تولیدی جهان در حال پراکنده شدن در نقاط مختلف هستند، ارائه خدمات پیشرفته در شهرهای تجاری خاصی متمرکز است. این شهرها خدمات تخصصی تجاری نظیر حقوق تجاری و حسابداری، تبلیغات و خدمات روابط عمومی را به سوی خود جذب می‌کنند و گردشگری تجاری و عملیات مربوط به معاملات املاک را نیز که منجر به اثرگذاری در سیستم حمل و نقل، ارتباطات، خدمات شخصی و بخش تفریحی و فرهنگی می‌شوند را نیز به خود جذب می‌کنند (بنی فاطمه، ۱۳۹۱: ۴). وی معتقد است که مفهوم شهر جهانی در دهه‌ی ۱۹۸۰ متفاوت از قبل است؛ در مفهوم جدید شهرهای جهانی نه تنها به عنوان شهرهای برتر سرمایه‌ای محسوب می‌شوند بلکه شهرهایی هستند که به طور روزافزونی توسط شرکت‌های فراملی با عملکرد فراتر از چارچوب دولت-ملت کنترل می‌شوند (پور احمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳). در سال ۱۹۸۴، برودل نیز از این اصطلاح برای تشریح شهرهای پیشرو^۱ در اقتصادهای جهانی مد نظر خود استفاده کرد (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵). فریدمن در سال ۱۹۸۶ در مقاله‌ی فرضیات شهر جهانی، فرآیند ظهور این شهرها را با هفت فرض اساسی تشریح کرده است.

۱- انسجام یک شهر با اقتصاد جهانی برای تغییراتی ساختاری که در داخل آن رخ می‌دهد، ضروری است.

۲- شهرهای عمده به عنوان نقاط پایه در سازمان فضایی و درهم تنیدگی تولیدات و بازارها که امکان ظهور شهرهای جهانی را در یک سلسله مراتب پیچیده‌ی فضایی ممکن می‌سازند، لازم می‌باشند.

۳- کارکردهای کنترل جهانی شهرهای جهانی در بخش‌های تولیدی آنها انعکاس می‌یابد.

۴- شهرهای جهانی مکان‌هایی عمده برای تمرکز و انباشت سرمایه‌ی بین‌المللی هستند.

۵- شهرهای جهانی هدف مهاجرت‌های گسترده در دو بعد داخلی و بین‌المللی هستند.

۶- شهرهای جهانی تحت تأثیر اثرات متناقض اجتماعی سرمایه‌داری و همین‌طور قطبی شدن فضایی و طبقاتی هستند.

۷- رشد شهر جهانی، هزینه‌های اجتماعی را در سطوحی که افزون بر ظرفیت ممکن دولت است، به بار می‌آورد.

شهرهای جهانی، شهرهایی هستند که در قالب نظام فضایی سازمان‌یافته و به عنوان کانون‌ها یا گره‌گاه‌های اقتصاد جهانی به ایفای نقش می‌پردازند (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹). وی بر این باور است که تقسیم بین‌المللی کار از طریق شهرهای جهانی سازمان یافته‌اند. این شهرها به دلیل اینکه مراکز کنترل برای انباشت سرمایه‌ی جهانی و در نهایت دستیابی به اقتصاد داخلی خاص و ساختارهای اجتماعی بی نظیر هستند. وی معتقد به وجود یک سلسله‌مراتب پیچیده بین شهرهای جهانی است (Beaverstock and etal, ۲۰۰۰: ۴۵). فریدمن علاوه بر این استدلال می‌کند که شکل‌گیری شهرهای جهانی شامل پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و در نتیجه تضادهای سیاسی است (Kamng and Hills, ۲۰۰۳: ۱۵۱).

در این راستا شورت (۲۰۰۴)، اذعان نموده که شهرهای جهانی مکان‌های شبکه‌های متراکم تماس بین فردی و انباشت سرمایه‌های اجتماعی و تجاری هستند. شهر جهانی مقر و مظهر فضایی شدن ناهمگون جریانهاست که نظام‌های بانکداری و حوزه‌های

حقوقی و تجاری را در خود جای داده است. از نظر وی، شهر جهانی منزل بسیاری از ملیت‌های متفاوت و قومیت‌هایی است که قبلاً ناشناخته بوده‌اند و گستره‌ی عظیمی از مهاجران عادی و نخبگان تجاری را در خود جای داده است (شورت، ۲۰۰۴، به نقل از پور موسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶).

اگر شهر جهانی را معدل گلوبال سیتی بگیریم آنگاه از نظر واژه‌شناسی ساسن (۱۹۸۴) اولین بار بر اساس مطالعاتشان در مورد قشریندی اجتماعی و جابجایی سرمایه، اصطلاح گلوبال سیتی را به کار برد. وی این اصطلاح را در مقابل کلان شهر یا مگاسیتی برای اشاره به لندن، توکیو و نیویورک به کار گرفت. ساسن از گلوبال سیتی با سه مشخصه‌ی دگرگونی چشمگیر و مواردی در مبنای اقتصادی، سازمان‌های فضایی و ساختار اجتماعی یاد می‌کند و آنها را گونه‌ی جدید شکل گرفته از شهرها می‌داند. پیتر تیلور استاد جغرافیای سیاسی و مدیر گروه پژوهشی شبکه‌ی شهرهای جهانی نیز بر اساس یک تحقیق تجربی و با بازکاوری نظریه‌ی گلوبال سیتی ساسن معتقد است که گلوبال سیتی باید به عنوان شهرهای پیشرو شناخته شوند که در رأس الگوهای سلسله مراتب شهری جهانی قرار دارند (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۱-۵۲).

ساسن در تفاوت بین World City و Global City معتقد است که شهرهای جهانی بسیار بزرگ هستند اما همه‌ی شهرهای بزرگ Global City نیستند. ما می‌توانیم کلان‌شهرها یعنی آن دسته از شهرهای بزرگ و Global City که آنها بزرگ‌تر هستند اما از ویژگی‌های منحصر به فرد برخوردارند؛ تفاوت قائل شویم. World City شهرهایی است که در شبکه‌ی شهری جهانی، جریانها، افراد، کالاها، عقاید و کارکردها با هم در ارتباط هستند اما این ارتباط سست، ناپایدار و ضعیف است (استانبول و مسکو) در مقایسه Global City شهرهایی است که به تدریج به این مقام رسیده‌اند از جمله لندن، توکیو، هنگ کنگ، سنگاپور، کانون و مرکز ثقل شبکه‌ی شهری جهانی و تمامی فعل و انفعالات مرتبط با آن هستند. Global City در رأس سلسله مراتب شهرهای جهانی قرار دارند (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۳).

ساسن با تمایز شهر جهانی^۱ و شهر جهانی^۲ مورد نظر فریدمن (که در تمام طول تاریخ وجود داشته است) معتقد است که شهر جهانی محصول جدید فرآیند صنعتی شدن است. ارتباطات مخابراتی، تکنولوژی‌های جدید، فن‌آوری‌های اطلاعات منجر به تمرکززدایی و انباشت فعالیت‌های اقتصادی شده است (بنی فاطمه، ۱۳۹۱: ۳). ساسن بر این باور است که شهرهای جهانی مکانهای کلیدی برای سرمایه‌گذاری و شرکت‌های خدماتی خاص است و مکانی برای تولید و فعالیت‌های نوآورانه می‌باشد. این شهرها به مثابه‌ی بازارهایی برای تولیدات و نوآوری‌ها عمل می‌کنند.

وی شهر جهانی را مرکز فرماندهی و مکانهای تولید خدمات تخصصی مورد نیاز مجموعه‌ای از سازمان‌ها و شرکت‌ها برای اداره‌ی شبکه‌ی پراکنده‌ای از کارخانجات، ادارات و پایانه‌های فروش خدمات و مکان‌های تولید نوآوری‌های مالی و بازاریابی برای بین‌المللی‌سازی و توسعه‌ی صنایع مالی توصیف می‌کند و در توصیف شهرهای جهانی از انواعی خدمات پیشرفته و تخصص‌نام می‌برد که تولید آنها به شهرهای جهانی اختصاص دارد و از آنها به عنوان وجه ممیزه‌ی شهر جهانی از سایر شهرها استفاده می‌کند (پور احمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷).

نامبرده همچنین، معتقد است که شهرهای جهانی منعکس‌کننده‌ی مکان‌هایی است که در آن سیستم‌های ملی شهر و قدرت دولت دگرگون می‌شود و بر این نکته هم تأکید دارد که چنین شهرهایی باعث قطبی شدن اجتماعی و نابرابری می‌شود. در نقد تحقیقات شهرهای جهانی عده‌ای بر عدم توجه به سیاست‌های منطقه‌ای در شهرهای جهانی تأکید دارند. برای نمونه پال^۳ (۲۰۰۴) استدلال می‌کند برای فهم شکل‌گیری شهرهای جهانی توجه به سیاست‌های محلی که شامل کنشگران محلی و جهانی است؛ لازم و ضروری است (Nastar, ۲۰۱۴: ۳).

کاستل نیز با نگرش به تأثیرپذیری شهرها از فن‌آوری‌های ارتباطات و ظهور اقتصاد

۱- Global City

۲- World City

۳- paul

اطلاعاتی، شهرهای جهانی را نه یک مکان بلکه یک فرآیند تلقی می‌کند؛ فرایندی که مراکز تولید و مصرف خدمات پیشرفته و جوامع محلی وابسته به آنها را در یک شبکه‌ی جهانی به یکدیگر پیوند می‌دهد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷). تیلور و همکاران (۲۰۰۲) سلسله‌مراتب شهرها را از طریق قدرت شهرها و روابطشان، توکیو را به عنوان مرکز فرماندهی جهانی و توکیو و هنگ کنگ را به عنوان مراکز مسلط نشان داده‌اند (Sim et al, ۲۰۰۳: ۱۱۶).

اخیراً کوین اوکانر تعریف جدید از شهر جهانی بر پایه‌ی تعریف پیشین فریدمن ارائه کرده است. تأکید وی بیشتر بر قدرت، سلطه و کنترلی است که بر پایه‌ی فعالیت‌های خدمات تجاری و سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد. وی تأکید می‌کند که رشد اهمیت فعالیت‌های تجاری شهرهای جهانی و رابطه‌ی بین این شهرها، آنها را دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای نموده است (بنی فاطمه، ۱۳۹۰: ۶).

میشل پاسیون در جمع‌بندی خصوصیات شهر جهانی، ۱۷ خصیصه‌ی مهم را برای این شهرها برمی‌شمرد. از نظر وی، این شهرها بر اساس جایگاه شرکت‌های فراملی در پیوند با اقتصاد جهانی و دولت‌های ملی، محل استقرار دفاتر مرکزی بزرگ‌ترین شرکت‌ها و بانک‌های بین‌المللی هستند. در این شهرها حضور دفاتر شرکت‌های بزرگ و نهادهای مالی و جهانی موجب رشد سریع طبقه‌ای نخبه با حقوق بالا می‌شود که در زمینه‌ی ارائه خدمات مولد فراملی نظیر خدمات حقوقی، بانکداری، بیمه، خدمات کسب و کار، حسابداری، تبلیغات و... فعالیت دارند. شهرهای جهانی به دلیل اقتصاد رو به گسترش و تجدید و تمرکز سرمایه‌گذاری، مراکز بیشترین سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی هستند (پاسیون، ۲۰۰۱ به نقل از پور احمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۶). در این تعاریف، نقش شرکت‌های فراملی و فعالیت‌های جهانی آنها در ارتقای جایگاه جهانی شهرها مهم تلقی شد. با توجه به تعاریف بالا می‌توان اذعان نمود که شهرهای جهانی دارای چندین خصوصیات عام می‌باشد که در جدول شماره‌ی ۱ نمایش داده می‌شود.

جدول ۱- خصوصیات شهرهای جهانی

ردیف	خصوصیات عام شهرهای جهانی
------	--------------------------

۱	فعالیت های شهر جهانی بیشترین پیوند را با اقتصاد جهانی دارد.
۲	شهر جهانی مناسب ترین مکان برای استقرار ادارات مرکزی شرکت های اقتصادی برای هدایت فرآیند تولید جهانی است.
۳	به دلیل حضور شرکت های چندملیتی بزرگ ترین مراکز تولید و عرضه خدمات پیشرفتهی تخصصی برای تولیدکنندگان جهانی است. مکان مطلوبی برای تجارت و بازرگانی در سطح بین المللی است.
۴	مرکز استقرار نهادهای قدرت در سطح ملی و بین المللی
۵	به دلیل تعدد مراکز علمی و آموزشی، تراکم نیروی انسانی متخصص و تقاضای روز افزون تولید صنعتی تسهیلات و زمینه ها برای نوآوری و توسعهی فن آوری های مرتبط با تولید جهانی و انتشار آنها در سطح جهانی فراهم است.
۶	به دلیل تمرکز شرکت ها و فعالیت های جهانی، جمعیت مهاجر زیادی را به خود جذب می کند و تنوع فرهنگی، تحصیلی و تخصصی قابل توجهی را ایجاد می کند.
۷	نهادهای مالی بین المللی، مؤسسات حقوقی، شعب مرکزی شرکت های چندملیتی و مراکز بورس که تأثیر عظیمی بر اقتصاد جهانی دارند.
۸	سیستم حمل و نقل پیشرفته که شامل چندین بزرگراه و شکل های متعددی از شبکه حمل و نقل عمومی است.
۹	فرودگاه بین المللی بزرگ که خدماتی برای چندین شرکت هواپیمایی بین المللی ارائه نماید.
۱۰	جمعیتی تا حدودی زیاد (مرکز یک منطقهی مادر شهری در حدود یک میلیون و جمعیت ابر شهری چند میلیونی).

شاخص های شهر جهانی^۱ (GCI)

در رابطه با شاخص های شهر جهانی، موسسهی کیرنی و شورای امور جهانی شیکاگو طی مطالعاتی، شهرهای جهانی را از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ در پنج بعد رتبه بندی کرده اند که به شرح زیر می باشد:

- **فعالیت های تجاری^۲:** این شاخص با تعداد دفاتر شرکت های چندملیتی، شرکت های خدماتی - تجاری، ارزش بازارهای سرمایه، تعداد کنفرانس های بین المللی، گردش

۱- Global city index

۲- Business activity

کالا از طریق هواپیما و... سنجیده می‌شود.

- **سرمایه‌ی انسانی**^۱: ارزیابی سرمایه‌ی انسانی شهرها بر اساس شاخص‌هایی چون تعداد جمعیت خارجی، کیفیت دانشگاه‌ها، تعداد مدارس بین‌المللی، جمعیت دانشجوی بین‌المللی و تعداد بازمانده از آموزش دانشگاهی.
 - **تبادل اطلاعات**^۲: بررسی اینکه چطور اخبار و اطلاعات در داخل و خارج از شهرها منتشر می‌شود. این بعد شامل شاخص‌هایی چون قابلیت دسترسی به کانال‌های خبری، تلویزیونی اصلی (پوشش بین‌المللی در روزنامه‌های محلی) و نفوذ اینترنت (دسترسی سریع به نتایج موقع جست‌وجوی نام شهر در زبانهای اصلی)، تعداد اخبار بین‌المللی، میزان سانسور و..
 - **تجربه‌ی فرهنگی**^۳: شامل تعداد وقایع ورزشی به میزبانی یک شهر، تعداد موزه‌ها، عملکردهای حوزه‌ی هنری، تعداد مسافران بین‌المللی و تعداد روابط شهری .
 - **فعالیت‌های سیاسی**^۴: چطور یک شهر بر گفتگوی سیاسی جهانی تأثیر می‌گذارد و این بعد با شاخص‌هایی چون تعداد سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای محلی با دسترسی بین‌المللی، تعداد کنفرانس‌های سیاسی به میزبانی شهر (A.T kearney, ۲۰۱۴) .
- بر اساس ابعاد یاد شده رتبه‌بندی شهرهای جهانی در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ به شرح جدول زیر می‌باشد. در این رتبه‌بندی خصوصاً در سال ۲۰۱۴ شهرهای نیویورک، لندن، پاریس، توکیو و هنگ کنگ پنج شهر برتر جهان معرفی شده است.

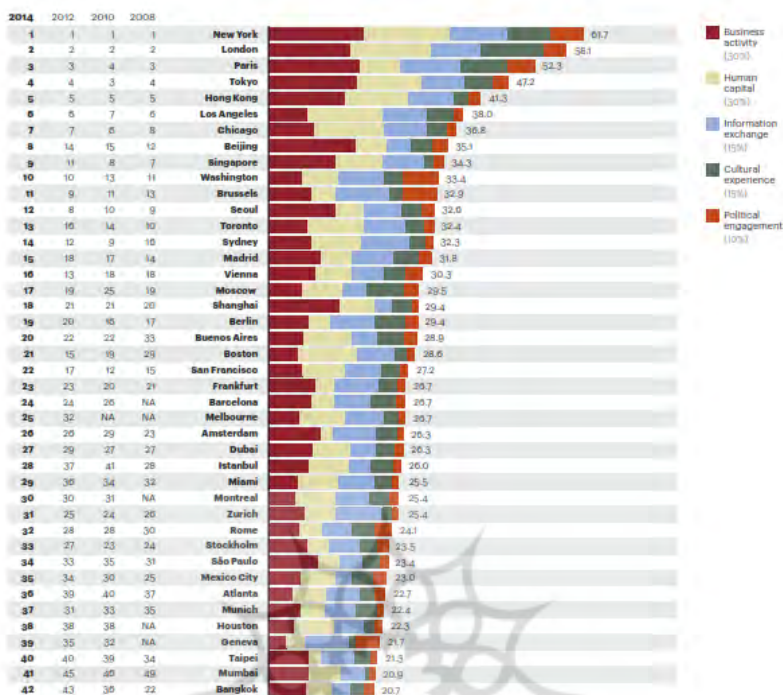
۱- Human Capital

۲- Information exchange

۳- cultural experience

۴- Political engagement

A.T. Kearney Global Cities Index, 2014 (rankings 1-42)



در نهایت، با تلاش‌هایی که تاکنون انجام شده، معیارهای رتبه‌بندی شهرهای جهانی در حال توسعه و تکامل هستند. با وجود اهمیت معیارها و شاخص‌ها، در ادبیات موجود در رابطه با شهرهای جهانی، عمده‌ی بررسی‌ها بر توصیف کیفی از خصوصیات شهرهای جهانی تمرکز یافته و توجه کمتری بر ارائه شاخص‌های کمی برای شکل‌گیری شهر جهانی شده است. شاخص‌های کمی، اهمیت زیادی برای دولت‌ها و برنامه‌ریزانی دارد که می‌خواهند شهرهای خود را به سمت جهانی شدن هدایت کنند (کی و سیت، ۲۰۰۵، به نقل از پور احمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸). با وجود استقبال بیشتر از آرزوی رسیدن به شهر جهانی، مطالعات تجربی نشان می‌دهد که شهر جهانی به توسعه آسیب می‌رساند و به مسائل اجتماعی و محیطی دامن می‌زند (Nastar, 2014: 1).

در ادبیات شهرهای جهانی، شهرهای جهانی به عنوان گره‌های سازمان‌یافته‌ی قدرتمند در اقتصاد جهانی تلقی می‌شوند. همچنین، در این رویکرد استدلال می‌شود که شهرهای جهانی از نظر تأثیرگذاری بر اقتصاد جهانی به صورت سلسله‌مراتبی سازمان یافته‌اند.

افزایش هژمونی تئوری شهر جهانی به دلیل عدم توجه محققان شهری به جنبه‌های متنوع دیگر شهرهای معاصر است. بخش مهمی از نقد رابینسون مربوط به این است که بیشتر محققان شهرهای جهانی در تحلیل شهرهای جهانی دسته‌بندی سفت و سختی داشته‌اند و به شهرهای غیر جهانی (محلی) توجه نکرده‌اند (Mc Cann, ۲۰۰۴: ۲۳۱۸).

در رابطه با پیامدهای شهر جهانی می‌توان اذعان نمود که توسعه‌ی شهرهای جهانی باعث نابرابری اجتماعی می‌شود. شاتکین (۲۰۰۷) در این راستا، کارکردهای نابرابری را در سه بخش می‌داند: ۱- اولین نابرابری در طبقات اجتماعی شهرهای جهانی در حال ظهور است. نابرابری بین طبقات ثروتمند تخصصی با طبقات بخش خدماتی با درآمد کم می‌باشد.

۲- دومی در توسعه‌ی ناخواسته است. دو قطبی شدن اجتماعی در قالب شکل فضایی شهر و جدایی‌گزینی اقتصادی و اجتماعی و دسترسی نابرابر بر فضای شهری نمود پیدا می‌کند و بر زاغه‌نشینی در شهر دامن می‌زند. ۳- نابرابری سیاسی اشاره دارد بر فرآیندی که سیاستهای شهری اسیر منافع گروه‌های خاص می‌شود. (Shatkin, ۲۰۰۷: ۲). ساسن (۲۰۰۶) در این راستا، نیز بر این باور است که شهرهای جهانی منجر به قطبی شدن اجتماعی می‌شود. در نقد تئوری شهرهای جهانی می‌توان خاطر نشان کرد که تئوری‌های شهر جهانی به دلیل توجه کمتر به سیاست‌های محلی و توجه‌ی بیشتر به فعالیت‌های اقتصادی مورد انتقاد قرار گرفته است. در شهرهای جهانی قطبی شدن و شکاف بین مراکز خدمات تخصصی و جمعیت‌های پیرامونی ضمن تشدید نابرابری‌های اجتماعی در شهرها، شهرهای جهانی را به مکان ستیز و تضاد تبدیل می‌کند. پایکت و ویلکینسون (۲۰۱۰) معتقد است که جوامع با توزیع نابرابر درآمد، سلامت کمتر و مسائل اجتماعی چون خشونت، اعتیاد و بیماری‌های روانی بیشتر را دارد (Nastar, ۲۰۱۴: ۲).

همچنین کیل (۱۹۹۵) نیز مطرح کرده که شهرهای جهانی مکان‌هایی است که بحران زیست محیطی را آشکار می‌کند (Kamng and Hills, ۲۰۰۳: ۱۵۲) و شهرهای جهانی مرکز ائتلاف جهانی هستند. این شهرها موتور رشد کشورهای خود و دروازه‌ی منابع برای منطقه‌ی خود هستند (اطلاعات شهر جهانی، ۲۰۱۰: به نقل از بنی فاطمه، ۱۳۹۱:

۱۰). بنابراین، می‌توان اذعان نمود که شهرهای جهانی محرک نابرابری‌های اجتماعی است. به گمان محقق باید آرمان رسیدن به شهر جهان مورد بازنگری قرار گیرد و به جای آرزوی رسیدن به شهر جهانی بای در آرزوی شهر مطلوب باشیم.

شهر مطلوب

در عصر حاضر، مفهوم شهر مطلوب با جهانی شدن و تغییرات سریع در اقتصاد شهرهایی چون شانگهای، پکن، توکیو، هنگ کنگ و غیره در رقابت مستقیم با شهرهای جهانی قدیمی چون نیویورک، لندن، پاریس، بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. جان کاساردا (۲۰۱۱) بر نقش رشد شبکه‌های حمل و نقل تمرکز یافته در این شهرها و نقش‌آفرینی طبقه‌ی خلاق اشاره کرده است. وی از شهر مطلوب به عنوان شهر جذب‌کننده یاد می‌کند. میچل پورتر نیز بر ویژگی محلی‌گرایی شهر مطلوب تأکید می‌کند، عده‌ای از نویسندگان هم بر نقش قوانین مطلوب و کارایی اقتصادی این شهرها تأکید دارند. مدل‌های جدید شهر مطلوب نیز با شهروندان جذاب و کارآفرین مسلط شده است؛ این شهرها به این دلیل مطلوب هستند که از ظرفیت جذب مهاجران بالقوه را دارند (Hartly et al, ۲۰۱۲: ۲۷).

در تبیین مفهوم شهر مطلوب، افرادی چون هیلز (۲۰۰۳) بر پیامدهای مثبت شهر مطلوب همچون کمک به کارایی دولت و تسهیل توسعه‌ی پایدار تأکید کرده‌اند. اندیشمندانی چون ساسن (۱۹۹۱)، فریدمن (۱۹۸۶)، بوسچکن (۲۰۰۸) شهر جهانی را مترادف با شهر مطلوب تحلیل کرده‌اند. این در حالی است مفهوم شهر مطلوب وسیع‌تر و متفاوت از شهر جهانی است چراکه ایده‌ی شهر جهانی کاملاً شبیه به شهر مطلوب نیست. رویکرد شهر مطلوب در تضاد با مفهوم شهر جهانی است که رتبه‌بندی شهرها با معیار اقتصادی چون روابط تجاری و خدمات تولیدی صورت گرفته است (Savitch, ۲۰۱۰: ۴۳). درباره‌ی ویژگی‌های شهر مطلوب می‌توان اذعان نمود که این شهرها دارای خصوصیات زیر می‌باشند:

الف) سبک روشنی از حکمرانی شهری با یک دولت متجدد که با همکاری بخش خصوصی، جامعه‌ی مدنی و بخش سوم کار فعالیت می‌کنند.

ب) یک عضو فعال و خلاق در توسعه دادن فناوری‌های مترقی و فعالیت‌های اقتصادی به منظور رسیدن به توسعه‌ی محلی و جهانی پایدار.

ج) مکانی نه تنها در سرمایه‌ی اقتصادی، بلکه در سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی نیز قوی است (Kamng and Hills, ۲۰۰۳: ۱۵). چراکه تقویت و رشد سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی برای ساخت شهر مطلوب اساسی است.

همان طور که در بالا هم اشاره شد یکی از ویژگی‌های مهم شهرهای مطلوب در شیوه‌ی اداره‌ی شهرها، الگوی مدیریتی حکمرانی شهری است که در آن تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای اداره‌ی شهرها با مشارکت همه‌ی منابع قدرت شهری شامل کنشگران بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی انجام می‌شود. در این ترکیب، بخش خصوصی شامل نیروهای بومی و خارجی است که عمدتاً در عرصه‌های اقتصادی فعالیت دارند. در تعریفی از برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل، حکمرانی شامل ساز و کارها و نهادهایی برای بیان خواسته‌های شهروندان و گروه‌های مردم است و دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه‌ی میدنی را در بر می‌گیرد. حکمرانی شهری مبتنی بر مؤلفه‌هایی نظیر پایداری، تمرکززدایی، برابری، کارایی، شفافیت و پاسخگویی است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶).

یک روش برای تبیین شهر مطلوب آن است که آن را در یک شکل ساده، ۴ سی در نظر بگیریم که هر یک از این سی‌ها به ترتیب شامل پول در گردش^۱، جهان وطنی^۲، تمرکز^۳ و کاریزما^۴. تأثیرات انباشتی این ۴ سی مبین تفاوت شهر مطلوب از دیگر شهرهاست. ایده‌ی پول در گردش دو معنی دارد: از یک طرف به معنی ارزشی چیزی و آن قابلیت تحمل شرایط حیاتی است؛ به عبارت دیگر، پول نشان می‌دهد یک شهر در طول زمان‌ها

۱- currency

۲- Cosmopolitanism

۳- concentration

۴- charisma

استوار می‌شود. پول بیانگر این است که شهر به وسیله‌ی ارزش‌ها و فعالیت‌هایشان به جهان شکل می‌دهد. ماچ استدلال کرده که شهر خلاق نمونه‌ای از گردش پول است. طبقه‌ی خلاق فلوریدا (۲۰۰۵) تولیدکننده‌های واقعی ارزش‌های جدید است که دوباره‌ی جهان را شکل می‌دهد. جهان وطنی به عنوان ویژگی مهم شهر مطلوب، مستلزم توانایی پذیرش ویژگی‌هایی چون چند فرهنگ‌گرایی، بین‌المللی بودن است. تعامل بین فرهنگ‌ها مشوق سازگاری، تکثرگرایی و توانایی جذب روش‌های مختلف زندگی است. تصور یک شهر مهم بدون برد بین‌المللی خیلی مشکل است (Savitch, ۲۰۱۰: ۴۳)؛ این ویژگی شهر مطلوب هم به نظر می‌رسد که با جنبه‌های سیاسی^۱ فرهنگی شهر جهانی که بر جهان وطنی تأکید دارد همسو است (پاول، ۲۰۰۴: ۵۷۱).

تمرکز نیز یکی از ویژگی‌های مهم شهر مطلوب است؛ تمرکز شامل ایده‌ی دوگانه‌ی تراکم جمعیتی و توده‌ی تولیدکننده است. در حالی که ممکن است توده‌ی تولیدکننده بدون تراکم جمعیتی و تراکم جمعیتی بدون توده‌ی تولیدکننده وجود داشته باشد؛ اینها مکمل همدیگر هستند. مفهوم تمرکز به مثابه‌ی ویژگی شهر مطلوب قابل بحث است؛ عده‌ای از اندیشمندان سنتی مامفورد (۱۹۶۱)، همه‌ی شهرهای مطلوب شهرهای تمرکز یافته با مراکز قوی است. اخیراً نویسندگان پست مدرن، شهرهای مطلوب را با مکانهای کم تراکم تحلیل کرده‌اند. حال با مقایسه‌ی این ویژگی شهر مطلوب با شهر جهانی می‌توان به رویکرد ساسن اشاره نمود که بر این باور است که شهرهای جهانی، شهرهایی بزرگ و عظیمی برای تمرکز و همگرایی سرمایه‌های جهانی به شمار می‌آید (رفیعیان و فرجام، ۱۳۹۰: ۱۲۰). همچنین در شهرهای مطلوب یعد نمادین و کاریزما خیلی مهم است؛ در این راستا، لینچ^۱ (۱۹۶۰)، بر این باور است که نمادها در مشروعیت‌بخشی به شهرها خیلی مؤثر است (Savitch, ۲۰۱۰: ۴۴).

ایکینز و نیوبای^۲ درباره‌ی شهر مطلوب معتقدند که در این شهرها توسعه‌ی پایدار محلی بیشتر برجسته است. نامبردگان خاطر نشان کرده‌اند که اقتصادهای محلی با جهانی شدن

۱- Lynch

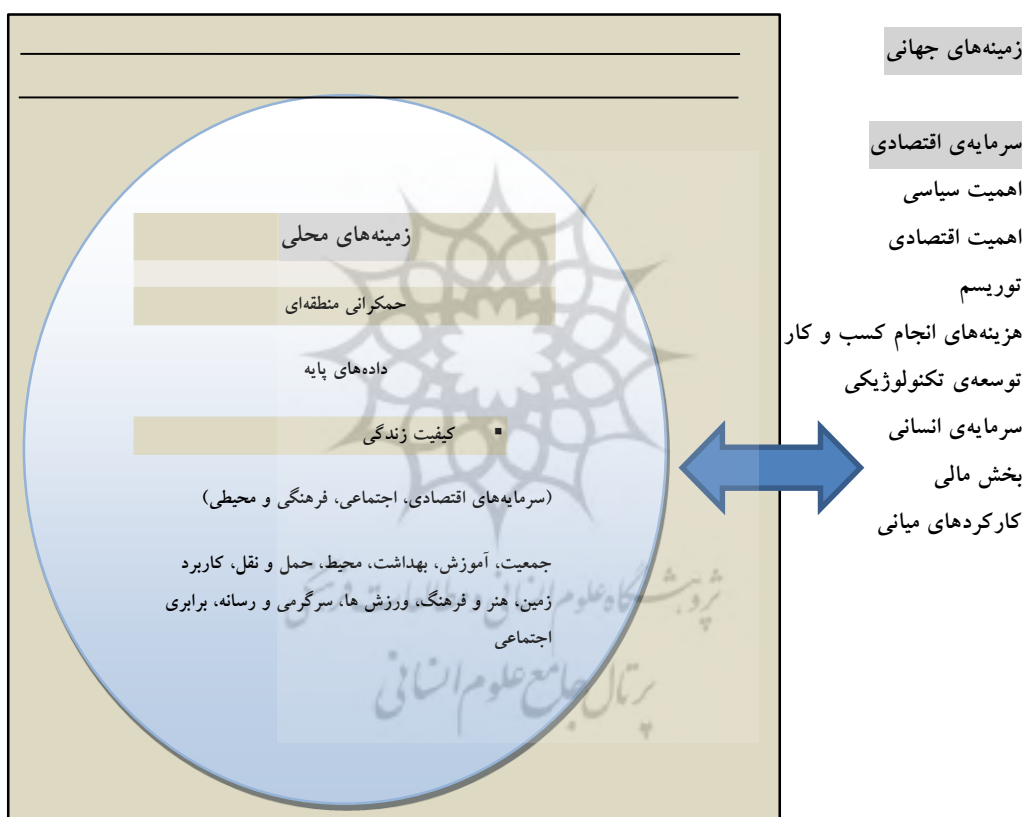
۲- Ekins and Newby

بیشتر اهمیت می‌یابند؛ چراکه جهانی شدن باعث فاصله‌ی اجتماعی و محیطی می‌شود اما توسعه‌ی اقتصادهای محلی می‌تواند شبکه‌های اقتصاد محلی و انسجام اجتماعی را حفظ کند. به منظور رسیدن به شهر مطلوب جهان نباید فقط به دنبال روابط جهانی باشیم بلکه باید رشد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد؛ رشدی که بیشتر درونزا باشد (Kamng and Hills, ۲۰۰۳: ۱۵۳). در این راستا، مفاهیمی چون برنامه‌ریزی از پایین، مشارکت جمعی و فراگیر، حق انتخاب بیشتر برای ساکنان محلی، عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر همراه با کارایی بیشتر، توزیع عادلانه‌ی امکانات و مواهب توسعه و نیز رفاه مردم تنها در سایه‌ی مفهوم توسعه‌ی پایدار محلی عینیت می‌یابد (فنی و صارمی، ۱۳۹۲: ۳۷) اخیراً توجه و تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به سطوح پایین‌تر و خردتر و عینی‌تر از زندگی شهری معطوف شده است. در ارتباط با توسعه‌ی محلی و توسعه‌ی پایدار شهری، در الگوهای جدید، دیدگاه خردنگر مبتنی بر مهندسی اجتماعی جایگزین نگرش کلان می‌شود که در آن حل مسائل شهری از کوچکترین واحد یعنی محله آغاز می‌شود. رویکرد محله-مبنا که نگاه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت در آن از پایین به بالا و مبتنی بر مهندسی اجتماعی است به جای نگرش کلان و مقیاس‌های ذهنی با رجوع به عینیات به مقیاس خرد محلی می‌پردازد (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۸).

در این راستا مارکسون (۱۹۹۹) بر این باور است که رویکرد شهر جهانی به سیاست‌های محلی توجهی ندارد. (پائول، ۲۰۰۴: ۵۷۳). این در حالی است که رویکرد شهر مطلوب از طریق توجه به سیاست‌های محلی و سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و محیطی به دنبال توسعه‌ی پایدار محلی است؛ بنابراین، به منظور شهر مطلوب جهان بودن باید به پویایی‌های نوآوری برای توسعه‌ی پایدار^۱ عنایت ورزید. باید نوآوری به سمت بهره‌وری در استفاده از منابع طبیعی، مفاهیم صنعتی جدید، استفاده از خدمات، تولیدات و به سمت راه‌حل‌های مسائلی چون انرژی، غذا، تغییرات جوی، سلامت و تأمین شغل جهت داده شود (Kamng and Hills, ۲۰۰۳).

شکل ۲ ویژگی‌های شهر مطلوب را نشان می‌دهد؛ شاخص‌های انتخابی محصول یک

پروژه‌ی تحقیقاتی اولیه توسط cupem با موقعیت هنگ کنگ با اشاره به شهرهای جهانی دیگر چون نیویورک، لندن، پاریس و توکیو). به امید رسیدن به شهرهای جهانی آسیایی است. شاخص‌های محک‌زنی که برای اولین بار توسعه یافته، توسط تیم تحقیقاتی بر اساس حوزه‌ی تخصصی افراد بوده است. شرکت کنندگان در این گردهمایی عمومی دعوت شده‌اند تا این معیارها را رتبه‌بندی کنند. مجموعه‌ی شاخص‌های فعلی نتایج بحث‌های مختلف و بررسی جلسات و داده‌های در دسترس را برای شاخص‌های انتخاب شده منعکس می‌کند.



(Kamng and Hills, ۲۰۰۳: ۱۵۵)

با توجه به شاخص‌های فوق می‌توان اذعان نمود که شهر مطلوب نه تنها دارای سرمایه‌ی اقتصادی بلکه دارای سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، انسانی و محیطی قوی هستند. چنین شهرهایی با مشارکت فعال در اقتصاد محلی و جهانی و با تکیه بر نیروی انسانی به

فرآیند توسعه کمک می‌کند.

وجوه افتراق و اشتراک شهر مطلوب و شهر جهانی

در رابطه با ویژگی‌های مشترک شهر مطلوب و شهر جهانی می‌توان بر اساس تئوری‌های فوق‌الذکر خاطر نشان کرد که در شهرهای مطلوب و جهانی بر بعد نمادین و کاریزماتیک شهرها تأکید می‌شود. در تأیید این مدعا، لینچ بر این باور است که از یک طرف، نمادها در مشروعیت بخشی به شهرهای مطلوب و جهانی خیلی مهم هستند، این شهرها مرکز جذب مهاجران از کشورهای مختلف هستند. شهر جهانی و شهر مطلوب هدف مهاجرت‌های گسترده در بعد داخلی و بین‌المللی است. از طرف دیگر، ویژگی‌های بارز شهر مطلوب و شهر جهانی را می‌توان به وجود سرمایه‌ی انسانی کارآمد، حمل‌نقل پیشرفته، مراکز مالی، توسعه‌ی تکنولوژیکی در این شهرها اشاره نمود. علاوه بر این، در این شهرها بر نقش‌آفرینی طبقه‌ی خلاق و کارآفرین و نخبه تأکید می‌شود. تکریم تفاوت‌ها و جهان وطنی که یکی از ویژگی‌های مقوم پست مدرنیسم است؛ در شهرهای مطلوب و جهانی نیز ملاحظه می‌شود. همچنین برد بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی از دیگر ویژگی‌های مشترک شهر مطلوب و شهر جهانی است. در این قسمت از پژوهش، به منظور جلوگیری از اطاله‌ی کلام وجوه افتراق شهر مطلوب با شهر جهانی در جدول شماره‌ی ۲ نمایش داده می‌شود.

جدول ۲- تفاوت شهر جهانی با شهر مطلوب

شهر جهانی	شهر مطلوب
شهر جهانی معطوف به توسعه‌ی برونزا و تحمیلی است.	شهر مطلوب معطوف به توسعه‌ی درونزا و پایدار است.
تئوری شهر جهانی بر فرماندهی، کنترل و هژمونی	تئوری شهر مطلوب با تأکید بر توسعه‌ی متوازن، مفهوم

تأکید دارد.	هژمونی و تسلط را تقبیح می‌کند.
بر کنشکران (عاملان) جهانی تأکید دارد.	بر کنشکران محلی تأکید دارد.
سیاست‌های شهری اسیر منافع گروه‌های خاص است.	سیاست شهری خادم منافع اکثریت است.
نابرابری اجتماعی و قطبی شدن را بازتولید می‌کند	بر عدالت اجتماعی و توزیع متوازن منابع تأکید دارد.
تنوری شهر جهانی تقلیل‌گرا و غالباً به سرمایه‌ی اقتصادی تأکید می‌کند.	در شهر مطلوب به همه‌ی سرمایه‌ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی و انسانی توجه می‌شود.
بر مشارکت بخش خصوصی تأکید می‌کند	بر حکمرانی شهری و تعامل پویایی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تأکید می‌کند.
ثوری شهر جهانی دارای نگرش کلان و مقیاس ذهنی است.	دارای نگرش خرد و مقیاس عینی است.
نگاه به توسعه‌ی شهری از بالا به پایین	نگاه به توسعه‌ی شهری از پایین به بالا
به سیاست‌های محلی توجه نمی‌شود.	سیاست‌های محلی حرف اول را می‌زند.
بر اساس شاخص‌های کیفی رتبه‌بندی شده است.	رتبه‌بندی شهرها بر اساس شاخص‌های کمی می‌باشد.
بحران‌های زیست‌محیطی را تشدید می‌کند.	به دلیل مدیریت منابع و توجه توسعه‌ی پایدار، بحران‌های زیست‌محیطی مدیریت می‌شود.
بیشتر بر ادغام شدن در اقتصاد جهانی تأکید می‌شود.	بر اقتصاد محلی و جهانی پایدار تأکید می‌شود.
مفهوم انباشت و تمرکز یکی از ویژگی‌های مهم شهرهای جهانی است.	مکان‌های کم تراکم در تحلیل‌های پست مدرنیستی از ویژگی‌های مهم شهر مطلوب است.
پیشرفت‌های تکنولوژیکی ابزاری جهت توسعه‌ی شهرهای جهانی است.	پیشرفت‌های تکنولوژیکی ابزاری جهت توسعه‌ی محلی و جهانی پایدار در شهرهای مطلوب است.
جهانی شدن برای شهرها فرصت تلقی می‌شود.	جهانی شدن هم فرصت و هم تهدید تلقی می‌شود.
به نقش آفرینی شهرهای غیر جهانی توجه کافی نشده است.	بر نقش آفرینی شهرهای جهانی نشده توجه کافی شده است.
به دلیل نابرابری در توزیع درآمد به آسیب‌هایی چون بیماری روانی، اعتیاد و خشونت دامن می‌زند.	شهرهای مطلوب به دلیل توزیع عادلانه‌ی درآمد کمتر به آسیب‌های اجتماعی دامن می‌زند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه‌ی مفهوم شهر مطلوب با شهر جهانی است. در رابطه با شهر جهانی فریدمن معتقد است که شهر جهانی، مراکز کنترل برای انباشت سرمایه است؛ وی شهرهای جهانی را مرکز فرماندهی و واقع شده در شبکه‌ی جهانی شهرها توصیف می‌کند. پیتروال نیز این شهرها را بر اساس نقش‌های چندگانه‌ی آن‌ها تعریف

می‌کند. وی بر این باور است که شهر جهانی، مرکز قدرت سیاسی و بین‌المللی، مرکز خدمات بانکی و مرکز امور تخصصی پیشرفته است. نامبرده این شهرها را مکان دولت‌های ملی و بین‌المللی، مکان تجارت، سرمایه و ارتباطات، تمرکز امکانات آموزشی، تخصصی و هنر و فرهنگ می‌داند. در این راستا، پیتروال معتقد است که شهرهای جهانی توسط شرکت‌های چندملیتی با عملکرد فراتر از چارچوب دولت-ملت کنترل می‌شوند. ساسن نیز شهر جهانی را مرکز فرماندهی و مکان‌های تولید خدمات تخصصی پیشرفته تحلیل کرده که در آن قدرت دولت‌ها تضعیف شده و این شهرها باعث قطبی شدن اجتماعی و نابرابری می‌شود. درباره‌ی خصوصیات شهرهای جهانی، میشل پاسیون بر این باور است که این شهرها محل استقرار دفاتر بزرگ‌ترین شرکت‌ها و بانک‌های بین‌المللی هستند. وی اذعان نموده که شهرهای جهانی بدلیل اقتصاد پیشرفته و تمرکز سرمایه-گذاری، مراکز سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی است. همچنین بر اساس مطالعات شورای امور جهانی شیکاگو از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، فعالیت‌های تجاری، سرمایه‌ی انسانی، تبادل اطلاعات، تجربه‌ی فرهنگی و فعالیت‌های سیاسی از شاخص‌های مهم شهرهای جهانی است. مطالعات تجربی نشان داده که شهرهای جهانی به توسعه آسیب می‌رساند و به مسائل اجتماعی و محیطی دامن می‌زنند. به طوری که کیل خاطر نشان کرده که شهرهای جهانی مکان‌های هستند که بحران‌های زیست‌محیطی را تشدید می‌کند.

درباره‌ی مفهوم شهر مطلوب، پورتر در مطالعه‌اش بر ویژگی محلی‌نگری در این شهرها اشاره نموده است. کاساردا نیز بر این باور است که شهر مطلوب، ظرفیت جذب مهاجران را دارد. وی بر نقش‌آفرینی طبقه‌ی خلاق و کارآفرین در این شهرها تأکید کرده است. در این راستا، طبق دیدگاه هیلز، شهر مطلوب مکانی نه تنها قوی در سرمایه‌ی اقتصادی بلکه در سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و محیطی نیز کارآمد است. این شهرها از مدل توسعه‌ی پایدار محله‌ای و حکمرانی شهری (تعامل دولت، مردم و بخش خصوصی) برای مدیریت شهرها استفاده می‌کنند. چنین شهرهایی با مشارکت فعال در اقتصادهای محلی و جهانی و با تکیه بر سرمایه‌ی انسانی به فرآیند توسعه‌ی پایدار کمک می‌کنند. به طوری که تکثرگرایی، بعد نمادین و کاریزماتیک، محیط‌های کم تراکم، محلی‌گرایی،

سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی قوی، حکمرانی شهری، پیشرفت‌های تکنولوژیکی از ویژگی‌های بارز شهرهای مطلوب است. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان اذعان نمود که شهرهای مطلوب و شهرهای جهانی در وجود شاخص‌هایی چون نیروهای انسانی نخبه و خلاق، جذب مهاجران، بعد نمادین، جهان وطنی و تکثرگرایی، حمل و نقل و مراکز مالی پیشرفته و... دارای وجوه مشترک هستند. همچنین آنچه که از محتوای مفهوم شهر مطلوب و شهر جهانی برمی‌آید توجه به این نکته است که شهر جهانی معطوف به توسعه‌ی برونزا و متضمن نگرش کلان و شاخص‌های کیفی است. درحالی که شهر مطلوب بیشتر به الگوی توسعه‌ی درونزا، سیاست‌های محلی، نگرش خرد و مقیاس‌های عینی توجه داد. در تئوری‌های شهر جهانی، قطبی شدن، تراکم و انباشت سرمایه، میزان ادغام در اقتصاد جهانی، انباشت و تراکم، کنترل و فرماندهی، فرصت‌زا بودن جهانی شدن و.. برجسته است، درحالی که در شهر مطلوب، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، فرصت و تهدید بودن جهانی شدن، توسعه از پایین به بالا، مکان‌های کم تراکم، سیاست‌های منطقه‌ای و.. مهم است. سخن پایانی اینکه نقطه‌ی قوت شهر مطلوب (برای نمونه تأکید بر توسعه‌ی پایدار محلی) نقطه ضعف شهر جهانی است. به همین خاطر است که تئوری شهر جهانی به دلیل عدم توجه به سیاست‌های محلی و توجه بیشتر به فعالیت‌های اقتصادی با چالش‌های نظری مواجه است. در مقابل، مفهوم شهر مطلوب در وضعیت پست مدرنیسم به دلیل توجه به سیاست‌های محلی و شاخص‌های منعطف در رتبه بندی شهرها با استقبال صاحب‌نظران مواجه شده است.

رتال جامع علوم انسانی

منابع:

- بنی فاطمه، حسین. (۱۳۹۱). شهر جهانی، مطالعات شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال دوم، شماره‌ی سوم، صص ۱-۲۰.
- پوراحمد، احمد، قرخلو، مهدی، موسوی، سیروس. (۱۳۹۰). بررسی مفاهیم و شاخص‌های نظریه‌ی شهر جهانی، شماره‌ی شانزده، سال هشتم، صص ۲۹-۴۲.
- پورموسوی، سیدموسی، قورچی، مرتضی، رستمی، قهرمان. (۱۳۹۰). تبیین ژئوپلیتیکی کلانشهرهای جهانی تأملی بر تفاوت‌یابی مفهومی شهر جهانی و جهان شهر، فصلنامه‌ی

- ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره‌ی اول، صص ۵۵-۴۱.
- خاکپور، براتعلی، مافی، عزت اله، باون پوری، علیرضا. (۱۳۸۸). نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی پایدار محلی (نمونه: کوی سجادیه مشهد)، مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی دوازدهم، صص ۸۱-۵۵.
 - رفیعیان، مجتبی، فرجام، رسول. (۱۳۹۰). تأثیر فرآیند جهانی شدن بر ساختار شبکه‌ی شهری جهان، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره‌ی دوم، صص ۱۰۵-۱۴۵.
 - فنی، زهره، صارمی، فرید. (۱۳۹۲). رویکرد توسعه‌ی پایدار محله‌ای در کلان شهر تهران - مورد: محله‌ی بهار منطقه‌ای ۷، جغرافیا و توسعه‌ی شماره‌ی ۳۰، صص ۳۵-۵۶.
 - A.T Kearny. (۲۰۱۴), Global Cities, Present and Future , Global Cities Index ۲۰۱۴ and Emerging Cities Outlook in <http://www.atkearney.com/researchstudies/global-cities-index> .
 - Beaverstock, J.V, Smit, R.G, Tylor, p.j (۲۰۰۰), Globalization and world cities: some measurement methodologies, Applied Geography ۲۰ (۲۰۰۰) ۴۳° ۶۳
 - Kamng, Mee, Hills, Peter (۲۰۰۳), World cities or great cities? A comparative study of ve Asian metropolises, Cities, Vol. ۲۰, No. ۳, pp. ۱۵۱ ۱۶۵.
 - Lee Sim, Loo, Eng Ong , Soew, Agarwal Adeesh, parsa, Ali , Keivani, Ramin (۲۰۰۳), Singapore s competitiveness as a global city: development strategy, institutions and business environment, Cities, Vol. ۲۰, No. ۲, pp. ۱۱۵° ۱۲۷
 - McCann, Eugene J (۲۰۰۴), Urban Political Economy Beyond the Global City, Urban Studies, Vol. ۴۱, No. ۱۲, ۲۳۱۵° ۲۳۳۳.
 - Nastar, Maryam (۲۰۱۴), The quest to become a world city: Implications for access to water, / Cities ۴۱ , pp ۱° ۹
 - Paul, Darel E (۲۰۰۴), World cities as hegemonic projects: the politics of global imagineering in Montreal, Political Geography ۲۳ , pp ۵۷۱° ۵۹۶.
 - Savitch, H.V (۲۰۱۰), What makes a great city great? An American

perspective, Cities ۲۷ , ۴۲° ۴۹.

- Shatkin, Gavin (۲۰۰۷), Global cities of the South: Emerging perspectives on growth and inequality , Cities, Vol. ۲۴, No. ۱, pp. ۱° ۱۵.
- Hartly, john, potts, Janson, Macdonald, Trend(۲۰۱۲), The CCI Creative City Index۲۰۱۲, Cultural Science Journal Vol۱, No۱,۱-۱۳۷.

